

Comparative Study of Individual familial and Social Charcteristic of street Children

Ali HadjYousefi¹- Hossein HajBabaei²-Elham Sharifi³

Abstract

Aim: This research has done with aim to survey, Compare and analysis social, Family and individual attributes of street children (girl and boy).

Method: This cross – sectional study with survey-method has carry out in tehran's terminals by 8 social workers with 84 children street.

The using tool in this research is a questionnaire that made by researcher her self.

The validity of this questionnaire is gained by CAPP TEST and reliability by Internal.

The analyzing and discriptive methode is done by describing data by frequency table.

Analysis data to compare risk factor between street girls and boys is used adaptive table and chi-square (and if nessecry fisher two-tailed or generalized) and comperer producted points from attributed by mann whitney test .

Result: Individual, family and social attributest of children street is completed by W.H.O organization in addition to recognize above attribute, it clear that every attribute that resercher is studied and at all whole attributes, these is no mening ful difference between boys and girls street. In another work, risk factor are equal for both gender.

Keywords: Childrend of The Street (Sterrt Children), Children on The Street, Working Children , Working Children of The Street.

1-Faculty Member ,University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences

2-Faculty Member ,University of Social Welfare & Rehabilitation Sciences

3-M.A in Social Work, Authored (Email: Sharifi_1378@ yahoo.com)

ویژگیهای فردی، خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی

علی حاج یوسفی^۱ - حسین حاج بابائی^۲ - الهام شریفی^۳

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور بررسی، مقایسه و تحلیل ویژگیهای فردی، خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی دختر و پسر انجام یافته است.

روش بررسی: این مطالعه مقطعی با روش زمینه‌یابی و در محدوده پایانه‌های استان تهران با ۸ نفر مددکار اجتماعی و بر روی ۸۴ نفر کودک خیابانی انجام یافته است. ابزار مورد استفاده، پرسشنامه محقق ساخته بوده که اعتبار آن از طریق ضریب توافق کاپا و روایی آن با روش روایی محتوایی بدست آمده است. برای تجزیه و تحلیل و توصیف داده‌ها از جداول فراوانی و مقایسه عوامل خطرزا بین دختران و پسران خیابانی از آزمون مجذور خی و فیشر دو دامنه و برای مقایسه امتیازات حاصل از ویژگیها از آزمون ناپارامتری من ویتنی استفاده شده است.

نتایج: ویژگیهای فردی، خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی با توجه به پرسشنامه سازمان بهداشت جهانی بررسی گردید و علاوه بر شناخت ویژگیهای فوق مشخص گردید که تک تک ویژگیهای مورد بررسی و نیز دو مجموع ویژگیها، تفاوت معناداری میان دختران و پسران خیابانی مشاهده نمی‌شود. بعبارت دیگر عوامل خطرزا میان پسران و دختران خیابانی، یکسان است. می‌توان گفت سن و جنسیت کودکان عاملی موثر بر حضور کودکان در خیابانها می‌باشد و کودکان خیابانی دارای یکسری ویژگیهایی در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی هستند که به عنوان عوامل خطرزا آنها را در شرایط خیابانی شدن قرار داده است.

واژگان کلیدی: کودکان خیابانی، کودکان کار، کودکان فراری

۱- عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۲- عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

۳- کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی نویسنده اصلی (Email: Sharifi_1378@yahoo.com)

مقدمه

پدیده کودکان خیابانی یک معضل جهانی است بطور نسبی خدماتی را که این کودکان از سازمانهای دولتی و غیردولتی، ملی و بین المللی دریافت می نمایند صرفنظر از نوع ویژگیها و نیازمندیهای آنان می باشد. این تحقیق به عنوان اولین تحقیق انجام شده در سطح ملی به شناخت و بررسی و تحلیل ویژگیهای کودکان خیابانی اقدام نموده است. شناخت این ویژگیها و تحلیل آنها براساس نیازمندیها و نوع خدمات سازمانهای متولی الگوهای را نشان داد که بدانیم کودکان با چه ویژگیهایی بیشتر احتمال دارد که زندگی در خیابان را انتخاب نمایند و نهادهای اجتماعی که در مجموع نظم اجتماعی را در یک ساختار ایجاد می نمایند چه نقشی می توانند داشته باشند با توجه به اینکه کودکان خیابانی در سرشماریهای عمومی قرار نگرفته و از شرکت در نظرسنجیها امتناع می ورزند، اطلاعاتی راجع به ماهیت آنها موجود نبوده و بالطبع برنامه ریزان صرفه نظر از نیازمندیهای کودکان اقدام به برنامه ریزی می نموده اند که موجبات اتلاف منابع دولتی و غیردولتی را فراهم می آورد و علاوه بر این خدمات فراوانی را به کودکان خیابانی وارد نموده امیدواریم در این تحقیق در رفع خلاء موجود اهتمام لازم بعمل آمده باشد.

روش بررسی:

این تحقیق در پایانه های استان تهران انجام گرفت روش

نمونه گیری بصورت تمام شماری بوده است و از آنجائیکه این جامعه می تواند نمونه ای از کودکان خیابانی شهر تهران باشد، در بررسیهای تحلیلی بصورت نمونه در نظر گرفته شده است. افراد مورد بررسی علاوه بر اینکه بین سنین ۴ تا ۱۸ سالگی قرار داشتند دارای یکی از ویژگیهای زیر بوده اند:

۱. در خیابان اقدام به انجام فعالیت درآمدزا نموده اند که تحت عنوان «کودک کار خیابانی» شناخته شده اند.
۲. خیابان را بعنوان محل زندگی انتخاب نموده اند.
۳. خانه را به قصد عدم بازگشت ترک نموده باشند.

روش تجزیه و تحلیل: توصیف جداول بصورت جداول فراوانی، تحلیل داده ها و مقایسه عوامل خطرزا بین دختران و پسران خیابانی بصورت جداول توافقی و آزمون مجذور خی (در صورت لزوم فیشر تعمیم یافته یا دو دامنه)، مقایسه امتیازات حاصل از ویژگیهای فردی، اجتماعی و خانوادگی بین دختران و پسران خیابانی توسط آزمون ناپارامتری من ویتنی (Mann-Whitney) صورت پذیرفته است. اعتبار پرسشنامه از طریق محاسبه ضریب کاپا انجام گرفت که معادل ۰/۷۸ می باشد که نشان دهنده اعتبار بالای پرسشنامه می باشد.

نتایج:

- ۱- عوامل خطرزا میان دختران و پسران یکسان است.
- ۲- مقطع سنی ۱۵ تا ۱۸ سال پر خطرترین مقطع سنی در میان

فصلنامه مددکاری اجتماعی

- کودکان می باشد. ۸- خانواده تمامی کودکان خیابانی زیر خط فقر زندگی می نمایند.
- ۳- خانواده اکثریت کودکان خیابانی، بومی مناطق خود هستند
- ۹- کودکان خیابانی در خانواده های جرم زا و جرم پذیر تربیت شده اند.
- ۴- اکثریت کودکان خیابانی افت تحصیلی داشته اند.
- ۵- اکثریت کودکان خیابانی با والدین خود زندگی می کنند.
- ۱۰- خیابان برای کودکان خیابانی امن تر از خانه بوده است.
- ۶- اعتیاد به سیگار در میان کودکان خیابانی شایع است.
- ۱۱- اختلافات خانوادگی اولین علت حضور کودک در خیابان است.
- ۷- اکثریت کودکان خیابانی متعلق به خانواده های پنج نفره به بالا بوده و والدین اکثر آنها بیسواد بوده اند.
- ۱۲- از میان کودکان خیابانی فعال در گروههای ضد اجتماعی، بیشترین فراوانی مربوط به گروه فحشا بوده است.

جدول شماره ۱ - مقایسه امتیازات ویژگیهای مورد بررسی بین پسران و دختران خیابانی

ویژگیها	سن	پسران		دختران	
		تعداد	رتبه متوسط	تعداد	رتبه متوسط
ویژگیهای فردی	۶۸	۴۲/۴۳	۱۶	۴۲/۷۸	$P = ۰/۹۵۹$
ویژگیهای اجتماعی	۶۸	۴۲/۵۱	۱۶	۴۲/۴۷	$P = ۰/۹۹۵$
ویژگیهای خانوادگی	۶۸	۴۳/۱۳	۱۶	۳۹/۸۴	$P = ۰/۶۲۸$
جمع کل	۶۸	۴۲/۶۷	۱۶	۴۱/۷۸	$P = ۰/۸۹۶$

جدول شماره ۲ - بررسی ویژگیهای فردی کودکان خیابانی مورد بررسی

ردیف	ویژگی	مفوله	جنس	پسر	دختر	جمع کل	
اختلاف آماری							
				تعداد	درصد	تعداد درصد	
۱	سن	۷-۱۱ سال		۷	۱۰/۴	۱	۶/۷
		۱۲-۱۴ سال		۱۸	۲۶/۹	۱	۶/۷
		۱۵-۱۸ سال		۴۲	۶۲/۷	۱۳	۸۶/۷
		جمع کل		۶۷	۱۰۰	۱۵	۱۰۰
		بیسواد		۲	۳	-	-
۲	تحصیلات کودک	ابتدایی		۲۴	۳۶/۴	۴	۲۵/۰
		راهنمایی		۳۲	۴۸/۵	۷	۴۳/۸
		متوسطه		۸	۱۲/۱	۵	۳۱/۳
		جمع کل		۶۶	۱۰۰	۱۶	۱۰۰
		زندگی با والدین		۴۶	۶۷/۷	۱۱	۷۳/۳
۳	نحوه زندگی کودک	زندگی با والدین نانی		۱۲	۱۸/۲	۱	۶/۷
		زندگی با پدر به تنهایی		۲	۳	-	-
		زندگی با مادر به تنهایی		۴	۶/۱	۱	۶/۷
		زندگی با خواهر و یا برادر		-	-	۱	۶/۷
		زندگی به تنهایی		۶۶	۱۰۰	۱۵	۱۰۰
۴	اعتیاد کودک	اعتیاد به سیگار		۱	۱/۵	-	-
		اعتیاد به تریاک		۱	۱/۵	-	-
		اعتیاد به حبش		۱	۱/۵	-	-
		اعتیاد به هروئین		۱	۱/۵	-	-
		اعتیاد به الکل		۱	۱/۵	-	-
جمع کل		۱۶	۱۰۰	-	۱۰۰		

جدول شماره ۳ - بررسی ویژگیهای خانوادگی کودکان خیابانی مورد بررسی

ردیف	ویژگی	مقوله	جنس	پسر	دختر	جمع کل
			تعداد	درصد	تعداد	درصد
		۲-۱ نفره	۲	۳/۱	۱	۶/۳
		۳-۴ نفره	۱۲	۱۸/۵	۵	۲۳/۳
		۵-۶ نفره	۱۸	۲۷/۷	۶	۳۳/۵
۱	بعد خانوار	۷-۸ نفره	۱۵	۲۳/۱	۲	۲۵/۵
		۹ نفره به بالا	۱۸	۲۷/۷	۲	۳۰/۵
		جمع کل	۶۵	۱۰۰	۱۶	۱۰۰
		کمتر از ۴۰۰	۱۷	۲۵/۸	۲	۲۷/۳
	میزان درآمد ماهیانه	۴۰۱-۷۰۰	۲۳	۳۴/۸	۴	۲۶/۷
		۷۰۱-۱۰۰۰	۱۵	۲۳/۷	۴	۲۶/۷
۲	خانواده (به هزارریال)	۱۰۰۱-۱۳۰۰	۵	۷/۶	-	-
		بیشتر از ۱۳۰۰	۶	۹/۱	۵	۲۳/۳
		جمع کل	۶۶	۱۰۰	۱۵	۱۰۰

ادامه جدول شماره ۳ - بررسی ویژگیهای خانوادگی کودکان خیابانی مورد بررسی

ردیف	ویژگی	مقوله	جنس	پسر	دختر	جمع کل
			تعداد	درصد	تعداد	درصد
		سابقه محکومیت مادر	-	-	-	-
		سابقه محکومیت	-	-	-	-
	سابقه	خواله	۱۷	۲۵/۸	۱۱	۲۳/۱
۳	محکومیت	سابقه محکومیت پدر	۴	۵/۹	۱	۶/۳
	اعضای خانواده	سابقه محکومیت برادر	۱۵	۲۲/۷	۱	۲۳/۳
		جمع کل	۶۶	۱۰۰	۱۶	۱۰۰
		مهاجرت ننموده‌اند	۴۷	۷۱/۸	۱۳	۸۶/۷
		مهاجرت از روستا به شهر	۱۲	۱۸/۴	۱	۱۹/۴
۴	مهاجرت خانواده‌ها	مهاجرت از شهر	۳	۴/۸	۱	۶/۳
		کوچکتر به شهر بزرگتر	۶۲	۹۴/۲	۱۵	۲۲/۳
		جمع کل	۶۶	۱۰۰	۱۶	۱۰۰

فصلنامه مددکاری اجتماعی

از سال ۷۷ تا کنون سه استان تهران، لرستان و خراسان بیشترین شمار

کودکان خیابانی را به خود اختصاص داده‌اند.

در نمونه مورد بررسی ۷/۲ درصد کودکان خیابانی به فعالیتهای

درآمد زا اشتغال داشته‌اند که دستفروشی با فراوانی ۳/۶ درصد و

تکدی گری با فراوانی ۷۹ درصد عمده فعالیت آنها بوده است این نتیجه

تقریباً همخوان با سایر نتایج تحقیقات داخلی (روشن، ۱۳۷۹) می‌باشد

در تحقیقی که در خانه سبز صورت پذیرفته است. اکثر کودکان فعالیت

اقتصادی خویش را از طریق مشاغل کاذب، تکدی گری و باج گیری

بوده است.

نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد که اکثر کودکان خیابانی از حداقل

درآمد ماهیانه (۱۵۰.۱۰۱ هزار ریال) برخوردار بوده‌اند که این نتیجه با

تحقیقات داخلی (روشن، ۱۳۷۹) و تحقیقات خارجی (سالومون سورسا،

۱۹۹۹) همخوان می‌باشد، از طرفی مادران اکثر کودکان خیابانی (۸۹۲/۸)

بدون درآمد بوده‌اند. و ۸۳ درصد پدران آنها به فعالیت درآمدزا اشتغال

داشته‌اند. اگر درآمد اقتصادی کودک و خانواده کودک را با هم جمع

کنیم باز این نتیجه بدست می‌آید که ۱۰۰ درصد کودکان خیابانی و

خانواده‌های آنها زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در تحقیقاتی که در

گذشته صورت پذیرفته فقر اصلی ترین علت حضور کودک در خیابان

بوده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۳۶ درصد کودکان سابقه عضویت در

گروههای مختلف را داشته‌اند و اکثر آنها همزمان در چند گروه (فحشا،

بدست آمده از این تحقیق می‌باشد.

تحقیقات فراوانی در خصوص رده سنی افرادی که به نوعی

دچار مشکلات و آسیبهای اجتماعی شده‌اند صورت پذیرفته است.

بعنوان مثال در تحقیقی که توسط والر (۲۰۰۱) بر روی زنان خیابانی

صورت گرفت میانگین سن ورود به روسپیگری را ۸۵-۱۷ سال دانستند.

به نظر می‌رسد گروه سنی ۱۵-۱۸ سال، پر خطرترین سن در میان گروه

کودکان خیابانی باشد.

نتایج بدست آمده از رده سنی کودکان خیابانی منطبق با مقطع

تحصیلی آنها نمی‌باشد بدین ترتیب که اکثر کودکان خیابانی (۴۷/۶٪)

در مقطع راهنمایی-تحصیلی قرار داشته‌اند و پس از آن مقطع ابتدایی

بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است در حالیکه با توجه به

رده سن اکثر کودکان می‌بایستی در مقطع متوسطه قرار داشته باشند. در

نمونه مورد بررسی تنها ۲۷٪ کودکان ترک تحصیل نموده‌اند و ۲۲/۴٪

کودکان مورد مطالعه بی سواد می‌باشند که این نتیجه با تحقیقات داخلی و

تحقیقات خارجی همخوان می‌باشد.

بیشترین فراوانی کودکان خیابانی مربوط به استان تهران و سپس

استانهای خراسان، لرستان، اردبیل، ایلام، خوزستان، قم، مرکزی،

هرمزگان، یزد، آذربایجان شرقی و غربی که به عنوان استانهای دسته

دوم مشخص گردیده‌اند (با فراوانی ۲۴/۸٪) می‌باشد نتایج حاصل با

سایر نتایج تحقیقات داخلی و تحقیق دیگری که توسط سازمان بهزیستی

کشور و یونسف در سال ۷۹ انجام شده (روشن، همخوان می‌باشد.

کیف قاپان و متکدیان) عضویت داشته‌اند. اکثریت عضویتها در گروه کودکان مربوط به فحشا یا فراوانی ۸۸٪ درصد بوده است که همخوان با نتایج سایر کشورهاست (سالومون سورسا، ۱۹۹۹).

اکثر کودکان مورد مطالعه (۷۷٪ درصد) از فرزندان اول تا سوم خانواده‌ها بوده‌اند و از طرف دیگر ۷۵ درصد آنها متعلق به خانواده‌های ۵ نفره به بالا بوده‌اند. در جوامع در حال گذار بیشترین فشارهای خانواده پس از والدین متوجه فرزندان اول خانواده است که پس از والدین مسئولیت نگهداری و رتق و فتق امور خانواده را بر عهده دارند. این امر آنقدر در این خانواده‌ها نهادینه شده است که برای والدین بعنوان یک انتظار موجه مطرح است.

بر اساس تحقیقات انجام شده (استیرزلند، ۱۹۹۹) انتظارات نابجای والدین از در کودکان از جمله دلایل خیابانی شدن آنها می‌باشد در برخی فرهنگها کودکان علاوه بر مشارکت در کارهای منزل ناچارند به درآمد اقتصادی خانواده نیز کمک نمایند و در واقع آنها دوران کودکی را تجربه نمی‌کنند و احساس ناخوشایندی که نسبت به بزرگترها در آنها ایجاد می‌شود، عاملی برای فرار آنها می‌باشد.

اکثریت کودکان خیابانی (۷۰/۴٪) با والدین و ۱۶٪ با والدین ناتنی زندگی می‌نموده‌اند. در تحقیق مشترکی که توسط سازمان بهزیستی و یونیسف صورت پذیرفته نیز عنوان شده که ۶۰٪ کودکان خیابانی با والدین خویش زندگی می‌نموده‌اند (روشن، ۱۳۷۹).

گرچه این قضیه نشان دهنده آن است که هنوز ارتباط اکثر کودکان خیابانی با خانواده گسسته نشده است. اما محیط خانواده را مکان ناامنی برای پرورش و تربیت کودکان معرفی می‌نماید.

براساس نتایج بدست آمده ۱۹٪ کودکان خیابانی به مواد مخدر اعتیاد داشته‌اند که ۱۴/۳ درصد در خصوص اعتیاد به سیگار بوده است. این نتیجه برخلاف نتایج سایر کشورها می‌باشد که ۴۹/۱۸٪ کودکان خیابانی آنها به مواد مخدر اعتیاد داشته‌اند. در میان اعضاء خانواده کودکان خیابانی، تقریباً نیمی از پدران (۴۲/۹٪)، ۳/۶٪ مادران، ۲/۴٪ خواهران آنها و ۱/۷ درصد برادران کودکان خیابانی، اعتیاد دیده شده است. در این میان به ترتیب استفاده از سیگار، حشیش و هروئین بیشترین فراوانی را داشته است در پژوهشی که بر روی زنان زندانی انجام شده مشخص شد که ۵۸٪ آنها، یکی یا هر دو والدینشان اعتیاد داشته‌اند.

در خصوص سابقه محکومیت در میان اعضاء خانواده، ۱۳/۱٪ پدران و ۶٪ برادران این کودکان سابقه محکومیت داشته‌اند.

خانواده اکثریت کودکان خیابانی (۷۷/۹ درصد) مهاجرت نداشته‌اند. در تحقیقی که در سال ۱۳۷۹ در خانه سبز انجام شد اعلام گردید که ۶۵ درصد کودکان خیابانی از گروه مهاجرین هستند از این رو که کودکان از سایر شهرها به تهران عزیمت نموده‌اند در نتیجه خانواده اکثر کودکان خیابانی، بومی مناطق خود بوده و سابقه مهاجرت نداشته‌اند هر چند کودکان آنها به دلایل گوناگون به تهران عزیمت نموده‌اند.

منابع

- ۱- دکتر آقا یگلونی، عباس و دکتر رسول زاده طباطبائی، سید کاظم و موسوی چلک، حسن، کودک آزاری، انتشارات آوند دانش، تهران ۱۳۸۰
- ۲- دکتر بهری، مجید، آسیب‌های اجتماعی در ایران، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳- استیرزوند، جنوا، مشکلات کودکان خیابانی، ترجمه دفتر یونیسکف در تهران، ۱۹۹۹.
- ۴- برنیک، باربارا، رهنمودهایی در جهت طراحی مراکزی برای بچه‌های خیابانی، ترجمه نگین عبدالله زاده، انتشارات یونیسکف در تهران، ۱۹۹۷

5-Alperstin G, Rappaport c, and Flanigam JM. Health Problems of homeless Children in New yourk City. AMJ Public Health 1988; 78: 1232-3.

6-Aptekar L. 1994. Street Children in The developing Word : are vive of Their condition. Crosscult. Res. 28 (Aug): 195-224

7-Baker R, 1998. Negotiating identities: a study of The Lives of street children in Nepal. Dep. AnThropol., Univ. Durham, UK

نتایج این تحقیق نیز نشان داد که ۸۲ درصد کودکان مورد

بررسی در خانواده مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند که اکثریت آزارها (۷۳٪) توسط پدر و ۲۸٪ توسط برادر، در خانواده اعمال می‌شده است. بررسیهای انجام شده در ایران (دفتر فرهنگی اکو،

۱۳۸۲) نشان می‌دهد که ۶۰ درصد والدین ایرانی کودک آزارند و ۷۰ درصد کودکان تهرانی در خانه تنبیه می‌شوند و این در حالی است که براساس گزارش ۵۹٪ کودک آزاران از پیگیری قانون مصون هستند. این نتایج نشان می‌دهد که کودکان درون خانه بیشتر مورد

آزار و اذیت هستند تا در خیابانها، ۲۷٪ کودکان خیابانی در

گذشته نیز تحت همین عنوان در مراکز حمایتی پذیرش حمایت می‌شوند. به عبارتی تقریباً ۷۴ آنها در حال دور زدن سیکل خیابان.

مراکز حمایتی و خانه می‌باشند. یکپارچه نبودن سیستم خدمات رسانی

ناآگاهی نسبت به وضعیت کودکان، ارائه خدمات صرف نظر از نوع

مشکلات کودک از دلایل عمومی این ضعف می‌باشد.

با آنچه تاکنون تبیین گشت بدیهی می‌نماید که اولیین علت حضور

کودک آنچنان که در این تحقیق بدست آمد اختلافات خانوادگی با

فراوانی ۷۷٪ باشد پس از آن به ترتیب مشکلات اقتصادی فراوانی

۱۶٪ درصد در رتبه دوم، اغفال کودک با فراوانی ۱۳٪ درصد می‌باشد.

نتایج این تحقیق با سایر تحقیقات داخلی و تحقیقی که در کلریک

صورت پذیرفته همخوان می‌باشد.